

قاسم ترابی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۰

چکیده

پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تاکنون چه سیاست‌ها و اقداماتی در مواجهه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند؟ فرضیه‌ای که در این زمینه مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد، عبارت است از آنکه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شکل مشترک در پی متوقف نمودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. همچنین سیاست این کشورها در مقابل ایران به شدت تحت تاثیر سیاست هسته‌ای آمریکا در منطقه و به‌طور خاص سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی بوده است. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تا سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بیشتر تلاش داشتند به ارایه راه‌حل‌های دیپلماتیک و موازی با سیاست غرب، ایران را تحت فشار قرار دهند. در ادامه و در پی ناکارآمد بودن این سیاست، این کشورها به تبعیت از آمریکا در پی الگویی از هسته‌ای شدن هستند که در آن کشور میزبان از غنی‌سازی اورانیوم انصراف می‌دهد. این سیاست که در ادامه سیاست‌های قبلی قرار دارد، با هدف اعمال فشار بر ایران طراحی شده است. هدف اصلی این مقاله ارزیابی این سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته مشترک و ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس علیه برنامه هسته‌ای ایران است.

کلیدواژه‌ها: برنامه هسته‌ای، غنی‌سازی، شورای همکاری خلیج فارس، آمریکا، اعمال فشار

* دکتری روابط بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد همدان ghasemtoraby@yahoo.com

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، صص ۳۶ - ۹.

مقدمه

خاورمیانه از جمله مناطقی است که در زمینه سیاست منع گسترش هسته‌ای با مشکلاتی مواجه بوده است. اسرائیل اولین رژیم در منطقه خاورمیانه محسوب می‌گردد که این سیاست را زیر پا گذاشت و توانست به شکل غیررسمی به تسلیحات هسته‌ای دست یابد. بر اساس آخرین آمارهای بین‌المللی که از سوی «انجمن بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم»^(۱) منتشر شده است، این رژیم احتمالاً چیزی در حدود ۸۰ کلاهک هسته‌ای در اختیار دارد^۱ (جدول شماره ۱). همین مساله از جمله نگرانی‌های عمده اعراب، به‌ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بوده است. برای مقابله با این تهدید، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شکل مشترک از ایده «خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای»^(۲) حمایت نموده‌اند که به شکل مستقیم برنامه هسته‌ای اسرائیل را هدف گرفته است. همچنین این کشورها بارها به شکل رسمی خواهان خلع سلاح هسته‌ای بدون قید و شرط اسرائیل شده‌اند. با وجود این، اسرائیل تاکنون در برابر این فشارها مقاومت نموده و به هیچ عنوان اجازه ورود بازرسان آژانس را به تاسیسات هسته‌ای خود نداده است.

کشورهای عضو شورا سعی نموده‌اند همین سیاست را در مورد برنامه هسته‌ای سایر کشورهای منطقه خاورمیانه اجرا نمایند؛ به عنوان مثال، همین سیاست در مورد برنامه هسته‌ای عراق در زمان صدام حسین اجرا شد. عراق اولین کشور اسلامی بود که در زمان صدام برنامه هسته‌ای داشت؛ اما اسرائیل در ۱۹۸۱ از طریق حمله هوایی تاسیسات هسته‌ای این کشور را از بین برد. پس از حمله اسرائیل به تاسیسات «اوسیراک»، عراق برنامه هسته‌ای مخفیانه‌ای را در پیش گرفت که هم‌زمان سب نگرانی کشورهای عربی و رژیم اسرائیل گشت. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در راستای اجرای همان سیاست کلی خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای، به مخالفت با برنامه هسته‌ای عراق پرداختند. این کشورها حتی به شکل کامل از

1. Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)

2. The Middle East Region as a Nuclear Free Zone

تحریم‌ها و فرایند بازرسی‌های شورای امنیت علیه عراق حمایت نمودند که در نهایت به اشغال این کشور توسط آمریکا و متحدانش انجامید. البته در همان زمان عده‌ای معتقد بودند عربستان سعودی از برنامه هسته‌ای مخفیانه عراق حمایت نموده است. هرچند در مورد درستی این ادعا تردیدهای جدی وجود دارد، با وجود این، حمله عراق به کویت و تهدید عربستان پایانی بر حمایت‌های احتمالی عربستان از برنامه هسته‌ای عراق بوده است.^۲

نگرانی اصلی کشورهای عربی از ۲۰۰۳ و با آشکارشدن برنامه هسته‌ای ایران آغاز گردید. کشورهای عضو شورا بر این باورند که فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی پوششی برای ساخت تسلیحات هسته‌ای محسوب می‌گردد. در نتیجه رهبران کشورهای عربی بارها اعلان نموده‌اند که برنامه هسته‌ای ایران در بلندمدت می‌تواند توازن منطقه‌ای را به سود این کشور به هم بزند و منافع امنیتی و حتی بقای کشورهای منطقه را با خطرات جدی مواجه نماید. در نتیجه کشورهای عربی نگرانی فراوانی از برنامه هسته‌ای ایران دارند که این امر آنها را وادار به اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی نموده است؛ از جمله کشورهای عضو شورا متوجه شده‌اند یکی از بهترین اقدامات در این زمینه، تاکید بر رژیم منع گسترش هسته‌ای در راستای افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی ایران است.^۳ البته این ادعاها در شرایطی مطرح می‌شوند که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدرکی مبنی بر غیر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ارائه ننموده است. با این حال کشورهای عربی از طرق متعدد به دنبال افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران هستند. کشورهای عضو شورا با صراحت اعلان نموده‌اند در صورتی که جامعه بین‌المللی نتواند مانع دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای گردد، رقابت تسلیحاتی آن‌هم از نوع هسته‌ای در میان کشورهای منطقه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در این راستا، اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله کشورهایی بودند که از فرستادن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت طرفداری نمودند.

این کشورها خواهان اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران و البته اجتناب از گزینه نظامی شده‌اند. علت نگرانی کشورهای عضو شورا از راهکار نظامی، ترس از پیامدهای احتمالا فاجعه‌بار آن در سطح منطقه است. کشورهای عضو شورای همکاری بر این باورند که هرگونه راه‌حل

نظامی علیه ایران، منطقه را به شکل کامل بی ثبات خواهد نمود. به همین دلیل این کشورها خواهان اعمال فشار همه جانبه سیاسی و اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند، ولی از اعمال زور نگرانی های گسترده ای دارند.^۴ با وجود این رهبران کشورهای عربی بارها اعلان نموده اند اگر فشارهای دیپلماتیک و سیاسی نتواند مانع از تداوم برنامه هسته ای ایران گردد، در این صورت از حمله احتمالی آمریکا و یا اسرائیل علیه تاسیسات هسته ای ایران حمایت خواهند کرد.^۵ به هر حال کشورهای عضو شورا در صورت بن بست مذاکرات و بروز حمله احتمالی چاره ای جز پذیرش عواقب کوتاه مدت حمله نظامی، در مقابل پیامدهای بلندمدت هسته ای شدن ایران نخواهند داشت. این کشورها در صورت عدم موفقیت راه کارهای مسالمت آمیز، احتمالاً از گزینه نظامی آمریکا و اسرائیل حمایت خواهند نمود.^۶ در این زمینه می توان به حمایت سفیر امارات در آمریکا از حمله نظامی به ایران اشاره نمود. یوسف العتیبه، سفیر امارات در واشنگتن، در مصاحبه با روزنامه واشنگتن تایمز در سخنانی تامل برانگیز مدعی شد که حمله اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران تنها راه متوقف نمودن این کشور است. وی در این ارتباط بیان داشت: «حمله به ایران ارزیابی سود و زیان است. قطعاً حمله به ایران پیامدهایی خواهد داشت، اما حقیقت آن است که ما نمی توانیم در کنار یک ایران هسته ای زندگی کنیم. واقعیت آن است که سودهای ناشی از بمباران سایت های هسته ای ایران بر زیان های زودگذر آن ارجحیت دارد. بنابراین من فکر می کنم به رغم مبادلات انبوهی که ما با ایران داریم و ارزش آن به ۱۲ میلیارد دلار در سال می رسد، حمله به ایران سودمند است. اگرچه حمله به ایران پیامدهایی چون برگزاری تظاهرات های اعتراض آمیز نسبت به این اقدام و افزایش خشم مسلمانان در پی حمله به یک کشور مسلمان دیگر را به دنبال دارد، اما این چیزی است که اتفاق خواهد افتاد و پیامدهای آن اهمیتی ندارد»^۷

با توجه به درکی که رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از برنامه هسته ای ایران دارند، تاکنون سیاست ها و اقداماتی را برای متوقف نمودن آن در پیش گرفته اند. البته سیاست این کشورها در قبال برنامه هسته ای ایران کاملاً متاثر و هماهنگ با سیاست هسته ای آمریکا در منطقه خاورمیانه بوده است. با توجه به این موضوع، در ادامه سیاست این کشورها در دو مقطع زمانی قبل از سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۷ و بعد از ۲۰۰۷ مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت،

سپس به ارزیابی اهداف و انگیزه‌های کشورهای عربی پرداخته می‌شود و در پایان سیاست کشورهای بزرگ دنیا در مورد نوآوری‌های هسته‌ای شورا بررسی خواهد شد.

۱. سیاست شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶

رهبان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مراحل اولیه امیدوار بودند که با طرح ایده‌هایی ایران را وادار به پذیرش متوقف نمودن غنی‌سازی اورانیوم نمایند. این تلاش‌ها شامل اعلان طرح خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای و طرح کنسرسیوم هسته‌ای مشترک می‌شد که به شکل موازی با دیپلماسی کشورهای غربی مورد پی‌گیری قرار گرفت. هدف نهایی این ایده‌ها و طرح‌ها اعمال فشار بیشتر بر ایران برای کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم بود، که البته هیچ‌کدام از این ایده‌ها با توجه به نادیده گرفتن حقوق تصریح شده در پیمان منع گسترش هسته‌ای مورد پذیرش ایران قرار نگرفت. در ادامه هر کدام از این ایده‌ها با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱. خاورمیانه عاری از تسلیحات کشتار جمعی

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تاکنون بارها پیشنهادهایی در مورد «منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی» ارائه داده‌اند. کشورهای عضو شورا بر این باور هستند که چنین طرح‌هایی می‌تواند باعث افزایش «اعتمادسازی» و در نتیجه کاهش احتمال روی آوردن کشورها به برنامه غیرصلح‌آمیز هسته‌ای گردد. البته طرح این ایده در منطقه خاورمیانه سابقه طولانی دارد. ایران و مصر طی یک اعلامیه مشترک در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۴، خواهان آن شدند که سازمان ملل خاورمیانه را منطقه‌ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی اعلان نماید. با وجود این، به‌رغم بحث فراوان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، ایده ایران و مصر در سطح نظری باقی ماند.^۸ با آشکار شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس یک بار دیگر این ایده را مطرح نمود. طرح مجدد این موضوع از سوی شورا به دلیل نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران و افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است.

در سال ۲۰۰۵ عبدالرحمن عطیه، دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس، در راستای طرح مجدد این ایده، خواهان یک «رژیم امنیتی جامع در خاورمیانه»^(۱) شد. بر اساس این طرح قرار بود در ابتدا یک رژیم امنیتی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مشتمل بر کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، عمان و بحرین شکل بگیرد. پس از طی این مرحله به شکلی تدریجی از سه کشور عراق، جمهوری اسلامی ایران و یمن خواسته می‌شد که به عضویت این رژیم امنیتی درآیند. هدف نهایی این فرایند، افزایش شفافیت در برنامه‌های نظامی و ایجاد اعتمادسازی و در نهایت کاهش انگیزه برای دنبال نمودن برنامه برای ساخت تسلیحات غیرمعارف عنوان شده بود. کشورهای شورا معتقد بودند که تنها نه کشور شامل شش کشور عضو شورای همکاری به‌اضافه ایران، عراق و یمن باید به عضویت این رژیم درآیند. شورای خلیج فارس علت این امر را در منافع مشترک و همچنین تهدیدات مشترک اعلان نمود. هرچند شورای همکاری اعلان نموده بود که بین این طرح و نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران ارتباطی وجود ندارد، برای تمامی کارشناسان مشخص بود که این طرح بیشتر با هدف مدیریت برنامه هسته‌ای ایران و کشاندن آن به یک رژیم امنیتی جدید استوار بود. در واقع این کشورها می‌خواستند با طرح این موضوع، دیپلماسی ایران را در شرایط واکنشی و تدافعی قرار دهند.

بر این اساس، عضویت و عدم عضویت جمهوری اسلامی به شکل مشابه باعث افزایش فشارهای بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای می‌شد. به عبارت دیگر، کشورهای عربی می‌خواستند ایران را در شرایطی قرار دهند که اتخاذ هرگونه تصمیم، آن را در شرایط پیچیده‌تری قرار دهد. در صورتی که ایران طرح این کشورها را می‌پذیرفت، محدودیت‌های بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای افزایش می‌یافت. در مقابل، عدم عضویت در چنین رژیمی با توجه به اینکه خواهان خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای بود، باعث افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی می‌گشت، با این استدلال که این کشور به دنبال اهداف نظامی و تسلیحاتی است. به همین دلایل کاملاً واضح بود که طرح مجدد این ایده آن‌هم پس از چند دهه از پیشنهاد مشترک ایران و مصر در شرایطی که

تنها دو سال از آشکار شدن برنامه هسته‌ای ایران می‌گذشت، با چه اهدافی دنبال شده است. جالب‌تر آنکه به‌رغم اینکه در این طرح از خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای یاد شده بود، از نه کشور منطقه خلیج فارس بدون اشاره به اسرائیل و سایر کشورهای عربی نام آورده شد. این امر شاهدی دیگر بر هدف کشورهای عضو شورا برای تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران و اعمال فشارهای بیشتر بین‌المللی بر آن است.

کشورهای عضو شورا اعلان نموده بودند که «رژیم خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای» باید با پذیرش تمامی معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مرتبط با کنترل تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی آغاز گردد. بنابراین کشورهایی که می‌خواهند به عضویت آن درآیند، باید از قبل تمامی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های کنترل تسلیحاتی از جمله پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش را امضا و تصویب نموده باشند.

پاسخ سه کشور ایران، عراق و یمن به طرح اولیه شورا مثبت بود اولین کنفرانس در این زمینه در ۲۰۰۴ در «مرکز تحقیقات خلیج فارس دبی»^(۱) برگزار شد. در سال‌های بعدی نیز جلسات دیگری برای آماده نمودن اساسنامه و توافقات اولیه برگزار گردید. در میان کشورهای منطقه بیش از همه کویت، عربستان و امارات متحده عربی از این طرح حمایت نمودند. در سال ۲۰۰۵ نیز عراقی‌ها از این طرح حمایت نمودند. با وجود این، ایران پذیرش این ایده را منوط به خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل و همچنین خروج آمریکا از منطقه نمود.^(۲) در پیش گرفتن چنین شروطی از سوی جمهوری اسلامی ایران نشانگر آن است که دستگاه دیپلماسی ایران به‌خوبی از اهداف کشورهای شورا که با هدف افزایش محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای صورت می‌گیرند، آگاه هستند. ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران معتقد است اصولاً طرح خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای تا زمانی که اسرائیل دارای تسلیحات هسته‌ای است، بی‌معنا خواهد بود. به علاوه طرح کشورهای عربی از خاورمیانه صحبت می‌کند، در حالی که صرفاً در مراحل اولیه نه کشور منطقه خلیج فارس را دربر می‌گیرد؛ که این امر با طرح ایده خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای هم‌خوانی ندارد.^(۳)

۲-۱. طرح ایجاد مرکز غنی‌سازی مشترک

در راستای نگرانی از برنامه هسته‌ای ایران و برای متقاعد نمودن تهران به کنار گذاشتن برنامه ملی خود در اکتبر ۲۰۰۷، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، در قالب شورای همکاری خلیج فارس طرحی جدید ارایه نمود. هدف اصلی عربستان سعودی از ارایه این طرح، افزایش فشارهای بین‌المللی و محروم نمودن ایران از برنامه غنی‌سازی اورانیوم بود. در این طرح سعود الفیصل پیشنهاد نموده بود که ایران به همراه سایر کشورهای منطقه خلیج فارس یک کنسرسیوم بین‌المللی مشترک برای تولید اورانیوم ایجاد نمایند. ضمن اینکه فیصل اعلان نموده بود در صورت تایید جمهوری اسلامی ایران، تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در یک کشور بی‌طرف که مورد تایید همه طرف‌ها باشد، ایجاد گردد. بدین وسیله اورانیوم مورد نیاز کشورهای منطقه از طریق تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در یک کشور بی‌طرف به شکل مشترک تامین خواهد شد. در نتیجه این امر، تمامی کشورهای منطقه به اورانیوم مورد نیاز رآکتورهای خود دست می‌یابند. ضمن اینکه این روش نگرانی‌های موجود از برنامه هسته‌ای ایران را نیز از بین خواهد برد.

عربستانی‌ها هدف خود از ارایه این پیشنهاد را ایجاد یک کنسرسیوم تامین سوخت هسته‌ای زیر نظر آژانس و کاهش نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اعلان نموده بودند. با این حال، این پیشنهاد به دلایل روشن و اهداف پنهانی آن مورد قبول جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفت. ایران ضمن قبول همکاری با این طرح، اعلان نمود کشورها طبق مقررات پیمان منع گسترش هسته‌ای به شکل ملی می‌توانند برنامه غنی‌سازی اورانیوم داشته باشند. پیش از این نیز در سال ۲۰۰۵ کشورهای اروپایی به شرط تعلیق غنی‌سازی ایران، پیشنهاد تامین سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر را داده بودند. این پیشنهاد نیز به علت نادیده گرفتن منافع ملی مورد تایید ایران قرار نگرفت.^{۱۱}

جالب آنکه هم‌زمان با طرح دولت عربستان برای ایجاد کنسرسیوم مشترک، دولت بوش نیز در راهبرد جدید خود ایجاد چنین کنسرسیومی را مطرح کرده بود. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که بین سیاست دولت‌های عربی و آمریکا، هماهنگی لازم با هدف اعمال فشار بر ایران وجود دارد. گفتنی است پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای از سوی دولت بوش با هدف تشویق کشورها برای کنار گذاشتن چرخه سوخت کامل هسته‌ای مطرح شد. این طرح به دنبال آن بود تا از طریق ایجاد

یک مرکز غنی‌سازی اورانیوم، مسئولیت تامین سوخت کشورها را برعهده گیرد و در این زمینه تضمینات لازم به تمامی کشورها داده شود. هدف اصلی دولت بوش از این طرح، کاهش تمایل کشورها برای پی‌گیری چرخه سوخت داخلی و تحت فشار قرار دادن ایران بود. به دنبال اعلان دولت آمریکا، بلافاصله بسیاری از کشورها، سازمان‌ها و کارشناسان پیشنهادهای مختلفی برای ایجاد بانک سوخت هسته‌ای ارائه دادند. دولت بوش با رد تمامی طرح‌های ارائه شده، صرفاً با پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در روسیه و آمریکا زیر نظر آژانس موافقت نمود. پیشنهاد آمریکا در این زمینه، ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در خاک آمریکا بود که اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالا را برای مصرف کشورها به اورانیوم کمترغنی‌شده تبدیل می‌نمود.^{۱۲} طرح روسیه نیز ایجاد «مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم»^(۱) زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در منطقه‌ای در سیبری با عنوان «آنگارسک»^(۲) بود. دولت بوش بر این باور بود که ایجاد بانک سوخت هسته‌ای می‌تواند باعث ایجاد «مکانیسم جمعی برای تامین مطمئن دسترسی به سوخت هسته‌ای»^(۳) باشد، در نتیجه این طرح می‌تواند بهانه را از دست کشورهای که می‌خواهند انرژی هسته‌ای بومی داشته باشند، بگیرد.^{۱۳}

به دنبال آنکه طرح بوش و پیشنهاد روسیه برای ایجاد مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم مورد پذیرش ایران قرار نگرفت، کشورهای عربی تصمیم خود را در قالب شورای همکاری خلیج فارس برای هسته‌ای شدن اعلان نمودند. بنابراین تصمیم شورای همکاری خلیج فارس برای هسته‌ای شدن ناشی از ناامیدی این کشورها از اقدامات و فشارهای دولت‌های غربی بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و مقاومت آن در برابر پیشنهادهای کشورهای عربی بوده است. تا پیش از این کشورهای عربی امید داشتند اقدامات کشورهای غربی که به شکل موازی با طرح‌ها و نوآوری‌های شورای همکاری همراه بود، بتواند باعث توقف فعالیت‌های ایران گردد. با ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و ناکامی این رکن در متقاعد نمودن تهران برای

1. International Uranium Enrichment Center (IUEC)

2. Angarsk

3. Multilateral Mechanism for Reliable Access to Nuclear Fuel (RANF)

گذشتن از حق مسلم خود، کشورهای عربی مطمئن شدند که ایران در این زمینه کوتاه نخواهد آمد. بنابراین کشورهایی چون عربستان و امارات به دنبال برنامه هسته‌ای مشترک در قالب شورای همکاری خلیج فارس افتادند. در ادامه به بررسی مسایل مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای شورای همکاری خلیج فارس و اهداف پنهان و آشکار آن پرداخته می‌شود.

۲. تغییر سیاست هسته‌ای در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷

کشورهای عرب خلیج فارس تا اجلاس سال ۲۰۰۶ چندان تمایلی برای پی‌گیری برنامه هسته‌ای از خود نشان نمی‌دادند. تا این سال دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس درخصوص تحولات هسته‌ای در منطقه خاورمیانه و به‌ویژه برنامه هسته‌ای ایران رویکرد خاصی را دنبال می‌کردند. این کشورها در این رویکرد بیشتر بر نقش‌آفرینی بازیگران و سازمان‌های بین‌المللی و غیرهسته‌ای بودن کشورهای خود تاکید داشتند. پی‌گیری چنین سیاستی از سوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در حالی دنبال می‌شد که این کشورها به شدت نگران فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل بودند.^{۱۴} اما به تدریج رویکرد سنتی این کشورها در خصوص مساله هسته‌ای دچار تغییر و تلاش‌های آنها برای حرکت در مسیر هسته‌ای آغاز شد. رویکرد هسته‌ای جدید کشورهای خلیج فارس در حالی اتخاذ می‌شد که این کشورها از مدت‌ها قبل گزینه هسته‌ای را رد نموده بودند. اکثر این دولت‌ها، پیمان‌های جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی از جمله پیمان عدم اشاعه و پروتکل‌های مربوط به آن را امضا کرده‌اند. ضمن اینکه پنج کشور از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس پروتکل «کمیت اندک»^(۱) را امضا نموده‌اند که تقریباً بر فعالیت هسته‌ای صفر دلالت دارد. به علاوه هیچ‌کدام از این دولت‌ها، هیچ‌گونه رآکتور هسته‌ای ندارند.^{۱۵} بنابراین کاملاً آشکار است که علت اصلی تمایل کشورهای عربی برای داشتن برنامه هسته‌ای، اعمال فشار بر ایران است. کشورهای عربی به شدت نگران افزایش توان و قدرت جمهوری اسلامی ایران هستند و تحولات منطقه را به سود ایران

1. Small Quantity Protocol

ارزیابی می‌کنند. ضمن اینکه رویدادهای چند سال گذشته توازن قوای منطقه‌ای را به سود ایران برهم زده است و رهبران کشورهای عربی نمی‌خواهند با هسته‌ای شدن ایران توازن به شکل کامل به ضرر آنها تغییر کند. واقعیت آن است که رهبران کشورهای عربی از تحولات حادث شده طی یک دهه گذشته در منطقه نگران هستند. آنها حمله آمریکا به افغانستان و عراق را از جمله اقداماتی می‌دانند که توازن قوای منطقه‌ای را به ضرر کشورهای عربی و به سود ایران تغییر داد. حمله آمریکا به افغانستان منجر به برکناری طالبان دشمن جمهوری اسلامی ایران شد. همین مساله باعث شد که افغانستان از یک کشور تهدیدکننده به یک کشور دوست برای ایران تبدیل شود.^{۱۶}

در عراق نیز سقوط رژیم صدام حسین باعث شد توازن قوای منطقه‌ای به سود جمهوری اسلامی ایران تغییر کند. عراق صدام حسین مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشور عربی دشمن جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد که هشت سال جنگ را به ایران تحمیل نموده بود و همچنان هرگونه حرکت جمهوری اسلامی را محدود می‌کرد. با این حال، با اشغال عراق و سقوط صدام حسین و روی کار آمدن شیعیان، عراق از کشوری دشمن به کشوری دوست برای ایران تبدیل شد. همین وضعیت را کم‌وبیش در مورد حزب‌الله می‌توان مشاهده نمود. به‌باور رهبران کشورهای عربی، حزب‌الله توانسته طی چند جنگ در برابر اسرائیل مقاومت و قدرت خود را نشان دهد و هر روز بر نفوذ و قدرتش در لبنان بیفزاید، که این امر نشان‌گر قدرت جمهوری اسلامی ایران در بخشی دیگر از خاورمیانه است.^{۱۷} به علاوه نگرانی دیگر این کشورها عقب‌ماندگی آنها در زمینه فناوری هسته‌ای از ایران است. در این زمینه می‌توان به سخنان مصطفی الانی، مدیر مرکز تحقیقات خلیج فارس، اشاره نمود. وی بارها نگرانی خود از برنامه هسته‌ای ایران را اعلان نموده و برنامه هسته‌ای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را واکنشی به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دانسته است.^{۱۸} بیانات سایر سران کشورهای عربی نیز به شکلی تاییدکننده همین استدلال است. به‌عنوان مثال حسنی مبارک، رئیس‌جمهور برکنار شده مصر، در ژانویه ۲۰۰۷ در همین ارتباط بیان داشت: «ما قصد نداریم در منطقه رقابت تسلیحاتی به راه بیندازیم، اما چاره‌ای جز دفاع از خودمان نداریم. ما مجبور هستیم در مقابل تهدیدات بر قدرت خود بیفزاییم. منطقی نیست ما بنشینیم و افزایش قدرت سایرین را تماشا کنیم».^{۱۹}

این نگرانی‌ها در شرایطی مطرح می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران تاکنون بارها بر انگیزه صلح‌آمیز هسته‌ای خود تاکید نموده است. به علاوه، بازرسی‌های مرتب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین گزارش دبیرکل این سازمان تاییدکننده صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران بوده است. با وجود این، مقامات کشورهای عربی بارها نگرانی خود را در این زمینه اعلان نموده‌اند. به‌عنوان مثال، در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مارس ۲۰۰۶، سعود الفیصل به انتقاد از سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخت. وی در این ارتباط بیان داشت برنامه هسته‌ای ایران باعث گذاشتن بار اضافی بر دوش کشورهای منطقه شده است. البته وی امکان بروز درگیری بین کشورهای منطقه بر سر این موضوع را کاملاً رد کرد. همچنین وی اظهار امیدواری نمود که شفافیت برنامه هسته‌ای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سایر کشورها نیز مد نظر قرار گیرد.^{۲۰} به هر حال، با توجه به این نگرانی‌ها کشورهای عربی در سال ۲۰۰۷ سیاست هسته‌ای خود در برابر ایران را تغییر دادند. تغییر سیاست این کشورها به شکل رسمی در اجلاس ابوظبی اعلان شد که در ادامه با توجه به اهمیت این اجلاس بیانیه آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲-۱. اعلان سیاست هسته‌ای جدید شورا در اجلاس ابوظبی

در ۵ مارس ۲۰۰۷ وزرای امور خارجه کشورهای عضو «شورای همکاری خلیج فارس» یکصد و دومین اجلاس خود را در شهر ابوظبی عربستان برگزار نمودند. محور اصلی این اجلاس، بحث در مورد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به شکل مشترک توسط کشورهای عضو بود. البته در اجلاس‌های قبلی نیز مباحثی در مورد انرژی هسته‌ای مطرح شده بود، ولی اجلاس ابوظبی به شکل ویژه بر محوریت بحث هسته‌ای شکل گرفته بود.^{۲۱} در پایان این اجلاس کشورهای عضو طی بیانیه‌ای سیاست خود را در زمینه انرژی هسته‌ای اعلان نمودند. در این اعلامیه کشورهای عضو یک بار دیگر بر سیاست خود مبنی بر خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای تاکید نمودند. محور دوم اعلامیه پایانی، تاکید بر حل و فصل نهایی بحران هسته‌ای ایران از طریق مذاکره و سایر روش‌های مسالمت‌آمیز بود. ضمن اینکه بخش سوم اعلامیه

اختصاص به اسرائیل داشت که در آن کشورهای عضو از اسرائیل خواستند مانند سایر کشورهای منطقه به عضویت معاهده منع گسترش هسته‌ای درآید و اجازه ورود بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به تأسیسات هسته‌ای خود بدهد.^{۲۲}

با این حال، مهم‌ترین محور این اجلاس و اعلامیه پایانی آن تأکید بر شروع برنامه مشترک هسته‌ای از سوی کشورهای عضو بود. به دنبال این اعلامیه، اهداف هسته‌ای شورای همکاری خلیج فارس مورد توجه سایر کشورهای عرب خاورمیانه قرار گرفت. دولت مصر تحت تأثیر این اعلامیه، برنامه خود را برای شروع فعالیت هسته‌ای خود طرح‌ریزی نمود. برنامه هسته‌ای مصر تحت تأثیر تحولات بین‌المللی و داخلی از ۱۹۸۰ تقریباً به فراموشی سپرده شده بود، اما با نوآوری شورای همکاری دوباره برنامه هسته‌ای مورد توجه رهبران این کشور قرار گرفت.^{۲۳} از طرف دیگر، اردنی‌ها نیز سعی نمودند از سایر کشورهای عربی در این زمینه عقب نیفتند. پادشاه این کشور تمایل خود را برای شروع فعالیت هسته‌ای مانند سایر کشورهای عرب اعلان نمود.^{۲۴}

بنابراین در ۲۰۰۷ تغییری اساسی در سیاست هسته‌ای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و سایر کشورهای عربی ایجاد شد. تا پیش از ۲۰۰۷ کشورهای عربی تمایل چندانی برای سرمایه‌گذاری بر برنامه هسته‌ای نداشتند، اما از این سال به بعد در پی ناکامی‌های بین‌المللی در متوقف نمودن برنامه هسته‌ای ایران، کشورهای عربی نیز به دنبال هسته‌ای شدن افتادند. البته آنها در پی الگوی جدیدی از هسته‌ای شدن هستند که در آن کشور میزبان از غنی‌سازی در داخل انصراف می‌دهد. با این حال هدف این الگو اعمال فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۲. نوآوری مشترک هسته‌ای شورا

در اجلاس ۲۰۰۷ ابوظبی تمایل شورای همکاری خلیج فارس برای پی‌گیری برنامه هسته‌ای اعلان شد. در این اجلاس قرار شد کشورهای عربی از طریق همکاری با کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای، نیروگاه‌هایی برای تولید برق تأسیس نمایند. مدل این کشورها برای رسیدن به چنین هدفی کنار گذاشتن کامل چرخه سوخت هسته‌ای و تنها اکتفا نمودن به ساخت نیروگاه هسته‌ای

برای تولید برق است. البته اعضای شورای همکاری خلیج فارس زمان قطعی برای برنامه هسته‌ای خود اعلان نکردند. از جمله دلایل این امر پیچیدگی بحث هسته‌ای و همچنین عدم توافق اعضا بر روی جزییات طرح بوده است. آقای عطیه سال ۲۰۰۹ را زمان شروع فعالیت مشترک کشورهای عضو معرفی نمود. وی بیان داشت، از سال ۲۰۰۹ کشورهای عضو باید برنامه‌های خود در زمینه ساخت نیروگاه هسته‌ای را آغاز کرده باشند. بر اساس گفته وی، قرار است طی دو سال کشورهای عضو یک شرکت شناخته‌شده بین‌المللی را به شکل مشورتی در زمینه فعالیت هسته‌ای اجاره نمایند تا به آنها در زمینه‌های مختلف هسته‌ای یاری رساند.^{۲۵} با این حال، به نظر بسیاری از کارشناسان هسته‌ای، تعیین زمان دو سال آن‌هم برای کشورهایی که تقریباً هیچ‌گونه زیربنای فیزیکی و همچنین نیروی انسانی خبره ندارند، منطقی به نظر نمی‌رسد. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، معمولاً ۱۰ سال زمان نیاز است تا یک کشور بتواند زیربنای لازم برای فعالیت هسته‌ای را فراهم سازد. بنابراین تعیین زمان دو سال برای عملی کردن طرحی با این اهمیت بیشتر شکل تبلیغاتی دارد. ضمن اینکه در اعلامیه مشترک هسته‌ای کشورهای عضو شورا، تأکید فراوانی بر جنبه صلح‌آمیز بودن طرح صورت گرفته است. در این اعلامیه تأکید شده است که باید بین برنامه هسته‌ای شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته‌ای اسرائیل تفاوت قائل شد. کشورهای عضو معتقدند برنامه هسته‌ای اسرائیل صرفاً برای ساخت تسلیحات هسته‌ای بوده است، در حالی که این کشورها برنامه هسته‌ای مشترک خود را صرفاً در راستای اهداف صلح‌آمیز دنبال می‌کنند.^{۲۶} یکی از اهداف کشورهای عربی از این تأکید، متقاعد نمودن آژانس برای کمک به آنها و همچنین تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران است. گفته می‌شود کشورهای عربی قصد دارند با طرح گسترش هسته‌ای در منطقه، توجه کشورهای بزرگ (آمریکا، روسیه و کشورهای اروپایی) و همچنین سازمان‌های بین‌المللی (شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) را به برنامه هسته‌ای ایران جلب کنند.^{۲۷}

البته در زمان طرح ایده از سوی شورا اتفاقاتی روی داد که همین مساله را تأیید نمود. رئیس‌جمهور وقت فرانسه بلافاصله پس از طرح ایده شورای همکاری خلیج فارس، موفقیت ایران در به‌دست آوردن برنامه هسته‌ای را عاملی برای گسترش تمایل به برنامه هسته‌ای در بین

کشورهای منطقه دانست. وی با صراحت بیان داشت در صورتی که غرب نتواند موانع از پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران گردد، عربستان سعودی، مصر، اردن و سایر کشورها نیز به دنبال داشتن چرخه سوخت خواهند بود. به همین دلیل عده‌ای بر این باورند که کشورهای عربی چندان قصد عملی نمودن برنامه‌های اعلامی خود در قالب شورای همکاری خلیج فارس را ندارند. به علاوه، بسیاری از کشورهای عضو شورا همچون عربستان، امارات، کویت و بحرین ترجیح داده‌اند به شکل ملی برنامه هسته‌ای خود را پی‌گیری نمایند. بنابراین، چنین شواهدی نشان می‌دهند که طرح برنامه هسته‌ای مشترک بیشتر شکل رسانه‌ای داشته و با هدف افزایش فشارهای بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران صورت گرفته است.^{۲۸}

مقایسه موفقیت همکاری جمعی هسته‌ای در قالب شورای همکاری خلیج فارس با موفقیت‌های ملی اعضای همچون امارات نشان‌دهنده همین موضوع است. البته برای موفقیت تلاش‌های ملی می‌توان دلایل دیگری نیز ذکر کرد. از جمله اینکه، در میان کشورهای عضو شورا بعضی از کشورها هم از انگیزه و هم از منابع مالی بیشتری برای سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای برخوردارند. عربستان سعودی و امارات با توجه به شرایط منطقه‌ای و درآمدهای فراوان نفتی، بیش از سایرین در این حوزه انگیزه و توان دارند. در مقابل، کشورهایی همچون عمان از توان مالی و انگیزه محدودتری در زمینه هسته‌ای شدن برخوردارند. ضمن اینکه اصولاً تجربه محدودی در این منطقه در حوزه همکاری مشترک امنیتی و فناورانه وجود دارد. در نتیجه تفاوت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه در حوزه درآمدهای نفتی و شرایط امنیتی باعث شده است این کشورها نگاه‌های متفاوتی به برنامه هسته‌ای داشته باشند. در نتیجه، جمع آنها در قالب یک برنامه هسته‌ای که صرفاً جنبه تبلیغاتی نداشته باشد، مشکل به نظر می‌رسد.

۳. اهداف و انگیزه‌های کشورهای عربی

کشورهای عضو شورا به شکل مشترک و همچنین ملی هدف از برنامه هسته‌ای خود را تولید انرژی پاک و سازگار با محیط زیست دانسته‌اند. با وجود این، آنها به خوبی می‌دانند این مساله نمی‌تواند مورد قبول سایرین قرار گیرد. کشورهای شورا همگی دارای ذخایر عظیم نفت هستند

که با توجه به جمعیت محدود برای ده‌ها سال تمامی نیازهای آنها را در عرصه انرژی تامین خواهد نمود. البته بسیاری از کشورها مانند روسیه به‌رغم داشتن نفت فراوان به دلایل مختلف از جمله مسایل زیست محیطی بخش مهمی از برق مورد نیازشان را از انرژی هسته‌ای تامین می‌کنند. با وجود این، بنا به شواهد موجود این مساله در مورد کشورهای عضو شورا کمتر قابل قبول نیست. به‌ویژه اینکه کشورهای عضو شورا بدون مقدمه و تنها پس از آشکارشدن موفقیت‌های جمهوری اسلامی برنامه‌های جدی خود را در زمینه هسته‌ای اعلان نموده‌اند. بنابراین مهم‌ترین عامل در پیش‌گرفتن برنامه هسته‌ای به شکل مشترک و ملی، نگرانی کشورهای عرب از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است.

کشورهای عربی به‌ویژه زمانی در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران احساس ترس بیشتری نمودند که قطعنامه‌های شورای امنیت نتوانست مانع از موفقیت‌های پی‌درپی جمهوری اسلامی گردد. بر این اساس کشورهای عربی با شکست رویه‌های دیپلماتیک و ناامیدی از موفقیت اقدامات شورای امنیت، راه چاره را در پیش‌گرفتن برنامه هسته‌ای دانسته‌اند. اعلان برنامه مشترک شورا در دسامبر ۲۰۰۶ که اوج فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود، نشانگر همین مساله است. در پایان این اجلاس نیکول استراک، یکی از کارشناسان مرکز تحقیقات خلیج فارس، در همین ارتباط بیان نمود: «کشورهای عضو شورا قصد ندارند با ایران وارد مسابقه تسلیحاتی شوند، با این وجود این تصمیمی راهبردی از سوی شورا بود. به علاوه، شورا با این تصمیم نشان داد که به‌هیچ عنوان یک ایران هسته‌ای را نخواهد پذیرفت.»^{۲۹}

در این بین کشورهایی چون عربستان و امارات متحده بیش از سایرین در مورد برنامه هسته‌ای ایران نگران هستند. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از سه کشور بزرگ در منطقه خلیج فارس، به‌خوبی می‌داند حتی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به افزایش منزلت این کشور و آسیب رساندن به جایگاه عربستان در سطح منطقه منجر گردد. در واقع کشورهای بزرگ یک منطقه رقیب هم تلقی شده و هرگونه پیشرفت محسوس در توانایی یکی از آنها برای دیگری تهدید محسوب می‌گردد. عربستان از جمله کشورهایی است که برای بازداشتن جمهوری اسلامی از حق خود در زمینه انرژی هسته‌ای، کاملاً فعال بوده است. این کشور در قالب شورای

همکاری چندین طرح برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران مطرح نموده است. به علاوه، عربستان سعودی نگران هسته‌ای شدن ایران و تقویت تنها کشور شیعه در سطح منطقه و پیامدهای منفی آن برای کشورهای حاشیه خلیج فارس است. مسئولان عربستانی و اماراتی در این زمینه جمهوری اسلامی را متهم به حمایت از گروه‌های شیعه و همچنین تروریست‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌نمایند. این کشورها ادعا می‌کنند در صورتی که ایران به تسلیحات هسته‌ای دست یابد، اولین اقدام آن حمایت از شیعیان و گروه‌های تندرو در سطح منطقه خواهد بود، که این امر می‌تواند خاورمیانه را بی‌ثبات سازد. به علاوه نگرانی امارات با توجه به ادعایی غیرمستند در مورد جزایر ایرانی بیش از سایرین است. به همین دلیل امارات مانند عربستان از جمله کشورهایی است که از برنامه هسته‌ای مشترک شورا حمایت می‌کند.^{۳۰}

بنابراین تمامی تلاش‌های کشورهای عربی با هدف توازن دادن برنامه هسته‌ای ایران صورت می‌گیرد. همچنین این کشورها برای افزایش فشارهای بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران دقیقاً از راهبرد هسته‌ای آمریکا در منطقه حمایت نموده‌اند. آمریکا در این راهبرد به دنبال ارایه الگویی جدید از هسته‌ای شدن است. این الگو به شدت مورد توجه کشورهای عضو شورای همکاری قرار گرفته است. گفتنی است ایالات متحده آمریکا طی یک دهه گذشته راهبرد خاصی را در زمینه هسته‌ای به‌خصوص در قبال منطقه خاورمیانه در پیش گرفته است. محورهای این راهبرد جدید شامل تلاش برای ایجاد اجماع بین کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای بر سر اعمال نظارت بیشتر بر جریان نقل و انتقالات بین‌المللی مواد حساس، ایجاد «بانک سوخت هسته‌ای»^(۱) و همچنین تشویق کشورها برای انصراف دادن از چرخه سوخت هسته‌ای به شرط تامین آن از سوی آمریکا یا کشورهای دیگر است. اهداف آمریکا از این راهبرد جدید شامل مواردی همچون مقابله با الگوی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای، نظارت همه‌جانبه بر فرایندهای هسته‌ای کشورهای عربی، تامین امنیت راهبردی اسرائیل، تامین منافع اقتصادی آمریکا، افزایش وابستگی کشورهای منطقه و گسترش نفوذ همه‌جانبه آمریکا در ابعاد

1. International Nuclear Fuel Bank

سیاسی، اقتصادی و نظامی، ایجاد توافق بین دارندگان فناوری هسته‌ای برای اعمال محدودیت‌های بیشتر در انتقال فناوری و مواد هسته‌ای، ایجاد تغییراتی در مفاد پیمان منع گسترش با هدف محدود نمودن حقوق هسته‌ای کشورها و طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای با هدف متقاعد نمودن کشورها برای کنار گذاشتن چرخه سوخت هسته‌ای است.^{۳۱}

به پیروی از راهبرد آمریکا در منطقه، مدل کشورهای عربی در این زمینه تلاش برای داشتن یک کنسرسیوم بین‌المللی برای تامین سوخت راکتورهای است که احتمالاً به شکل مشترک و یا ملی ایجاد خواهند شد. البته در این مدل چون تامین سوخت آن توسط یک کنسرسیوم بین‌المللی یا کشوری چون آمریکا تامین خواهد شد، احتمال کمی برای امکان انحراف خواهد داشت. با وجود این، حتی برنامه هسته‌ای که به ورود اورانیوم غنی‌شده از خارج وابسته است، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقا برنامه هسته‌ای یک کشور گردد. در نتیجه کشورهای عضو شورا بر این باورند که مدل آنها می‌تواند باعث افزایش بازدارندگی و در نتیجه جبران توازن از دست‌رفته گردد. ضمن اینکه کشورهای عربی اگرچه برنامه هسته‌ای ایران را یک تهدید می‌دانند، ولی در عین حال تلاش دارند به بهانه آن و با توجه به علاقه آمریکا برای ارایه الگوی جدید، از شرایط موجود نهایت بهره‌برداری را نمایند. به هر حال اگر برنامه هسته‌ای ایران آشکار نمی‌گشت، شاید هیچ‌گاه آمریکا به کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه هسته‌ای کمک نمی‌کرد. با این وجود، این کشورها با استفاده از شرایط موجود و اجازه آمریکا توانسته‌اند قراردادهای مهمی با رقم‌های بسیار بالا برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود به امضا برسانند. به عنوان مثال، می‌توان به قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری امارات متحده عربی با شرکت‌های کره‌ای و آمریکایی اشاره نمود. بر اساس این قرارداد، امارات متحده تا ۲۰۱۷ صاحب چهار نیروگاه هسته‌ای پیشرفته خواهد شد که بخش مهمی از برق این کشور را تامین خواهند نمود.

در نتیجه کشورهای عربی تلاش نموده‌اند به بهانه برنامه هسته‌ای ایران، برنامه هسته‌ای خود را پیش ببرند. این کشورها معتقدند هرچند محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای آنها که تابع الگوی آمریکاست وجود دارد، این برنامه‌ها می‌توانند در آینده دست‌آوردهای مهمی داشته باشند. ضمن اینکه کشورهای عربی می‌خواهند از این مدل به عنوان الگویی در مقابل مدل ایران استفاده نمایند.

هدف این کشورها از اجرای این سیاست که با حمایت مستقیم دولت آمریکا صورت می‌گیرد، تلاش برای شکستن الگوی مستقل ایران و یا حداقل متوقف نمودن برنامه صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران است.

۴. همکاری کشورهای بزرگ با شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای بزرگ هر کدام به دلایلی از برنامه مشترک هسته‌ای شورای همکاری خلیج فارس حمایت نموده‌اند. در این بین آمریکا بنا به دلایل راهبردی و همچنین درآمدهای کلان اقتصادی از این برنامه حمایت کامل نموده است. نیکولاس برنز، معاون وزارت امور خارجه آمریکا، در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۶ طی اجلاسی در مرکز تحقیقات انرژی خلیج فارس اعلان کرد که آمریکا از طرح همکاری هسته‌ای شورا حمایت خواهد نمود. وی ضمن تقدیر از تلاش‌های کشورهای عربی بیان داشت: «با توجه به تمامی شرایط از جمله فرایند گرم‌شدن هوا و همچنین ملاحظات راهبردی، آمریکا تصمیم جدی در حمایت از برنامه هسته‌ای مشترک شورا دارد.»^{۳۲}

دلایل متعددی برای حمایت آمریکا از برنامه هسته‌ای شورا وجود دارد. اولین و مهم‌ترین دلیل را باید افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران دانست. از نظر آمریکایی‌ها، الگوی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند باعث افزایش فشارهای بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران گردد. به باور آمریکایی‌ها موفقیت کشورهای عربی در به دست آوردن برق هسته‌ای، بدون آنکه چرخه سوخت را به شکل کامل داشته باشند، می‌تواند باعث تضعیف الگوی ایران گردد. آمریکایی‌ها ضمن تایید این موضوع در راهبرد هسته‌ای خود، بارها این مساله را به شکل علنی اعلان نموده‌اند. به علاوه طرح چند سال پیش گروه ۵ مبنی بر صرف‌نظر کردن ایران از غنی‌سازی اورانیوم به شرط تامین سوخت نیروگاه بوشهر، دقیقاً در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است. بنابراین مهم‌ترین دلیل حمایت آمریکا از برنامه مشترک و همچنین ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تضعیف الگوی جمهوری اسلامی و همچنین اعمال فشار بر ایران در جهت کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم است.

از جمله دلایل دیگر حمایت آمریکا از برنامه هسته‌ای شورا، می‌توان به مزایای اقتصادی طرح

اشاره نمود. معمولاً قراردادهای هسته‌ای به دلایل راهبردی و همچنین انحصاری بودن برای کشورهای سرمایه‌گذار درآمد میلیاردری به دنبال می‌آورد. آمریکایی‌ها قصد دارند از طریق سرمایه‌گذاری در برنامه هسته‌ای کشورهای ثروتمند شورا چون امارات، عربستان و کویت درآمدهای عظیمی به دست آورند. البته ملاحظات راهبردی نقش مهم‌تری به نسبت منافع اقتصادی در حمایت آمریکا از طرح شورا داشته‌اند. با وجود این، نمی‌توان اهمیت مسایل و ملاحظات اقتصادی را نادیده گرفت.

سیاست انگلستان، فرانسه، ژاپن و کره جنوبی نیز تحت تاثیر همان اهداف راهبردی و همچنین اقتصادی آمریکا قرار داشته است. انگلستان و فرانسه دقیقاً همان برداشت آمریکایی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای شورا را دارند و آن را عاملی برای تضعیف الگوی جمهوری اسلامی و همچنین تحت فشار قرار دادن ایران می‌دانند. ضمن اینکه انگلستان و فرانسه همچون آمریکا در پی به دست آوردن امتیازات اقتصادی در حوزه هسته‌ای بوده‌اند. تاکنون این دو کشور قراردادهای مهمی با کشورهای منطقه به‌ویژه امارات بسته‌اند. سیاست ژاپن و کره در مورد برنامه هسته‌ای ایران و شورای همکاری خلیج فارس نیز تابع سیاست آمریکا در این حوزه است. این کشور حتی قرارداد هسته‌ای خود با امارات را با مجوز آمریکایی‌ها نهایی نمود. بنابراین اگرچه ژاپنی‌ها علاقه‌مند به مشارکت در برنامه‌های هسته‌ای کشورهای منطقه هستند، اما این کار را با توجه به سیاست‌های آمریکایی‌ها انجام می‌دهند. ضمن اینکه کره‌ای‌ها بیشتر به دنبال اهداف اقتصادی، از سیاست جدید کشورهای عربی حمایت کرده‌اند و در پی انعقاد قراردادهای پرسود با کشورهای عربی هستند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به موفقیت چند شرکت کره‌ای در رقابت با سایر شرکت‌های غربی در مناقصه‌ای که در امارات برگزار شد، اشاره نمود. چندی پیش شرکت‌های کره‌ای در مناقصه‌ای که برای ساخت چهار نیروگاه هسته‌ای در امارات برگزار شد، مشارکت نمودند و موفق شدند مناقصه را به ارزش ۲۰ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به سود خود تمام کنند. بر اساس توافق انجام گرفته، قرار است شرکت‌های کره‌ای تا ۲۰۱۷ چهار نیروگاه هسته‌ای با توان تولید ۱۴۰۰ مگاوات برق را به پایان برسانند. همچنین قرار است کار ساخت این نیروگاه‌ها از ۲۰۱۲ آغاز گردد و تا ۲۰۱۷ آماده بهره‌برداری گردند. بر اساس برآوردهای صورت گرفته ارزش نهایی این قرارداد بیش از ۴۰ میلیارد دلار خواهد بود.^{۳۳}

روس‌ها نیز بیشتر به دلایل اقتصادی از طرح شورای همکاری خلیج فارس طرفداری نموده‌اند. در مورد سیاست هسته‌ای روسیه به‌طور کلی باید گفت، این کشور بنا به دلایل اقتصادی سعی دارد در برنامه‌های هسته‌ای کشورهای مختلف مشارکت نماید. روسیه از جمله کشورهایی است که تمایل جدی خود برای مشارکت در برنامه هسته‌ای اردن، مصر، ترکیه و همچنین برنامه مشترک و ملی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را اعلان نموده است. ولادیمیر پوتین در سفر خود به کشورهای منطقه، حمایت خود از برنامه هسته‌ای شورا را اعلان نمود. همچنین لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در سفری که به کشورهای منطقه داشت، تمایل کشورش برای مشارکت در برنامه هسته‌ای شورای همکاری خلیج فارس را اعلان نمود.^{۳۴} ضمن اینکه با هدف افزایش وابستگی کشورهای منطقه به روسیه و همچنین به دست آوردن درآمدهای کلان، پوتین بارها پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای را اعلان نموده است. روس‌ها قصد دارند با عملی نمودن این طرح، مسئولیت تامین سوخت تمامی کشورهای منطقه را بر عهده گیرد. طبیعتاً چنین امری نه تنها برای این کشور اهمیت راهبردی و سیاسی دارد، بلکه می‌تواند منبع درآمد مهمی در آینده باشد.^{۳۵}

تاکنون روس‌ها نتوانسته‌اند موفقیت چندانی در بستن قراردادهای پرسود با کشورهای عربی به خصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته باشند. بیشتر این کشورها ترجیح می‌دهند که با آمریکا و سایر کشورهای غربی همکاری داشته باشند. البته برخی از کشورهای عربی با هدف توزان دادن به روابط هسته‌ای خود با آمریکا یا بنا به دلایل دیگری همکاری‌هایی با روسیه دارند. در این زمینه می‌توان به همکاری‌های هسته‌ای محدود اردن و عمان با روسیه اشاره نمود.^{۳۶} در مورد عمان نیز یکی از دلایل همکاری این کشور با روسیه، عدم نهایی شدن موافقت‌نامه هسته‌ای با آمریکاست. از بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، عمان تنها کشوری است که هنوز به طرح جدید آمریکا در زمینه هسته‌ای شدن به شرط کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم نپیوسته است. ضمن اینکه اصولاً عمان دارای درآمدهای نفتی کلان نیست تا بتواند هزینه‌های گسترده الگوی آمریکا را همچون عربستان یا امارات بپذیرد.^{۳۷}

نتیجه‌گیری

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس همیشه نگرانی‌هایی در مورد گسترش هسته‌ای در منطقه خاورمیانه داشته‌اند. بخش مهمی از نگرانی این کشورها در این زمینه به توانمندی بعضی از کشورهای منطقه در زمینه هسته‌ای و ضعف خود آنها برمی‌گردد. در واقع کشورهای عربی عموماً فاقد نیروی انسانی و زیربنای لازم برای فعالیت هسته‌ای می‌باشند و از نظر هسته‌ای بسیار عقب‌تر از کشورهای غیرعرب منطقه چون ایران و اسرائیل هستند. همین مساله باعث شده اعضای شورای همکاری خلیج فارس به شدت نگران فعالیت‌های هسته‌ای سایر کشورهای منطقه باشند.

در این راستا، برنامه هسته‌ای اسرائیل و موفقیت این کشور در جهت ساخت تسلیحات هسته‌ای، اولین نمونه شکست سیاست منع گسترش هسته‌ای در منطقه بود. هرچند موفقیت اسرائیل در دستیابی به تسلیحات هسته‌ای باعث نگرانی‌های عمده‌ای در میان کشورهای عربی شد، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس صرفاً به محکوم نمودن این اقدام پرداختند. این کشورها به خوبی آگاهی داشتند که توان فنی برای در پیش گرفتن برنامه هسته‌ای را ندارند. به‌علاوه آنها نمی‌خواستند مانند عراق هدف حملات پیش‌گیرانه اسرائیل قرار گیرند. در نتیجه به‌رغم محکوم نمودن اسرائیل، این کشورها اقدام جدی در این زمینه انجام ندادند.

مورد دوم در این زمینه به فعالیت‌های هسته‌ای عراق برمی‌گردد. اگرچه عراق کشوری عربی و اسلامی محسوب می‌شود، فعالیت‌های هسته‌ای این کشور نگرانی‌های عمده‌ای در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس ایجاد نموده بود. این کشورها چندان از نابودی سایت هسته‌ای اوسیراک توسط اسرائیل ناراحت نشدند. ضمن اینکه حمله عراق به کویت و همچنین تهدید عربستان نشان داد که برداشت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برنامه هسته‌ای صدام به‌عنوان تهدیدی علیه کشورهای عربی تا چه میزان درست بوده است. این کشورها در دهه ۱۹۹۰ از جمله حامیان اجرای تحریم‌ها علیه عراق و خلع سلاح این کشور بودند. همچنین این کشورها از حمله چند سال پیش اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای سوریه ناراحت نشدند. البته این سیاست دولت‌های عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس با آنچه در افکار عمومی

کشورهای عربی وجود دارد متفاوت است. مردم کشورهای عربی برخلاف دولت‌هایشان از هسته‌ای شدن کشورهای اسلامی حمایت می‌کنند. به همین دلیل حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای عراق و سوریه با واکنش‌های منفی در بین مردم کشورهای عربی مواجه شد.

مورد سوم در این زمینه به موفقیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد. اگرچه تمامی گزارش‌های آژانس بین‌المللی اتمی تاییدکننده صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، اما این کشورها نگرانی‌های عمده‌ای در این زمینه دارند. نگرانی از انحراف برنامه ایران به سوی اهداف غیرصلح‌آمیز و همچنین افزایش قدرت و جایگاه جمهوری اسلامی از جمله این نگرانی‌ها محسوب می‌گردد. این کشورها سعی نمودند با در پیش گرفتن سیاست و اقداماتی مانع از موفقیت جمهوری اسلامی ایران در این زمینه گردند.

به‌طور کلی سیاست کشورهای حاشیه خلیج فارس را در این زمینه می‌توان به دو مقطع تقسیم نمود. در مقطع اول که از آشکارشدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تا سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ طول کشید، این کشورها بیشتر رویکردی دیپلماتیک به برنامه هسته‌ای ایران داشتند. بر این اساس، کشورهای عضو شورای همکاری با اتخاذ سیاست‌هایی چون ارایه پیشنهاداتی در زمینه خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای و طرح ایجاد کنسرسیوم برای غنی‌سازی مشترک، به دنبال متقاعد نمودن ایران برای گذشتن از حق خود در زمینه غنی‌سازی اورانیوم بودند. در واقع تا اواخر ۲۰۰۶ و اوایل ۲۰۰۷ رویکرد کشورهای عربی تابع سیاست آمریکا مبنی بر منع گسترش هسته‌ای و فشار بر جمهوری اسلامی برای کنار گذاشتن چرخه سوخت هسته‌ای قرار داشت.

با این حال، با تداوم موفقیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و ناتوانی آمریکا، غرب و شورای امنیت در متقاعد ساختن این کشور برای کنار گذاشتن چرخه سوخت، کشورهای عربی تحت تاثیر راهبرد هسته‌ای جدید آمریکا در زمان بوش سیاست خود در قبال ایران را تغییر دادند. از این سال به بعد کشورهای حاشیه خلیج فارس برای اعمال فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران از طرح الگوی آمریکا در منطقه خاورمیانه حمایت نمودند. تقریباً تمامی اعضای شورای خلیج فارس شامل امارات، عربستان، کویت، قطر و بحرین با آمریکا یادداشت تفاهم‌های هسته‌ای

امضا نمودند. در نتیجه، این یادداشت تفاهم‌ها باعث یکسان شدن سیاست هسته‌ای آمریکا و کشورهای عضو شورا در مقابل برنامه هسته‌ای ایران شد.

آمریکا و کشورهای عضو شورا به دنبال آن هستند تا با اعمال و اجرایی این یادداشت تفاهم‌ها، الگوی جدیدی از برنامه هسته‌ای را در مقابل الگو ایران در منطقه ایجاد نمایند. در این الگو کشور میزبان با انصراف دادن از فرایند چرخه سوخت و قبول محدودیت‌ها، از حمایت‌های هسته‌ای آمریکا برخوردار می‌گردد. در این بین کشورهایی چون امارات از علاقه‌مندی بیشتری در این زمینه برخوردار بوده‌اند. این کشور به همراه سایر کشورهای عضو شورا، نوآوری هسته‌ای مشترک را رها نموده و برای تسریع در فرایند به شکل ملی در این زمینه فعال شده است. ضمن اینکه امارات اولین کشوری است که یادداشت تفاهم طرح الگو را با آمریکا امضا نمود و به شدت در حال عملی نمودن آن است. سایر کشورهای عضو شورا نیز در سطح ملی در حال بستن موافقت‌نامه‌های هسته‌ای و انجام اقداماتی در این زمینه هستند.

جدول شماره ۱. نیروی هسته‌ای جهان در سال ۲۰۱۱

کشور	کلاهک آماده	کلاهک	کل
آمریکا	۲۱۵۰	۶۳۵۰	۸۵۰۰
روسیه	۲۴۲۷	۸۵۷۰	۱۱۰۰۰
انگلستان	۱۶۰	۶۵	۲۲۵
فرانسه	۲۹۰	۱۰	۳۰۰
چین	نامشخص	۲۰۰	۲۴۰
هند	نامشخص	۸۰-۱۰۰	۸۰-۱۰۰
پاکستان	نامشخص	۹۰-۱۱۰	۹۰-۱۱۰
اسرائیل	نامشخص	۸۰	۸۰
کل	۵۰۲۷	۱۵۵۰۰	۲۰۵۳۰

Source: SIPRI Military Expenditure Database, <<http://www.sipri.org/databases/milex/>>.

* در مورد اسرائیل، هند و پاکستان ارقام تایید شده نیستند.

پاورقی‌ها:

1. See: Bates Gill and Others, *Armament, Disarmament and International Security*, Oxford University Press. 2011
2. “ Saudia Arabia Working on Secret Nuclear Program with Pakistan Help – Report,” 2006, at: <http://www.forbes.com/feeds/afx/2006/03/28/afx2629000.html>
3. Nicole Stracke, “Nuclear Non-Proliferation from a [Persian] Gulf Perspective,” at: library.fes.de/pdf-files/iez/global/05354.pdf
4. Ibid.
5. Steven Simon, *An Israeli Strike on Iran, Council on Foreign Relations (CFR)*, Mission Statement of the Center for Preventive Action, November 2009 at : www.cfr.org/content/publications/.../CPA_contingencymemo_5.pdf
6. Nicole Stracke, “Nuclear Arms Race in the [Persian] Gulf,” *Khaleej Time* , 2 February 2007 at: http://www.khaleejtimes.com/DisplayArticleNew.asp?section=opinion&xfile=data/opinion/2007/february/opinion_february5.xml

۷. علت هراس اعراب از ایران، ۲۰۰۵، قابل دسترس در:

http://yamin.ir/news_fa.php?id=223

۸ رجوع شود به:

Mustafa Alani, *Weapons of Mass Destruction Free Zone in the [Persian] Gulf*, [Persian] Gulf Research Centre, 2008.

9. “ Nuclearization in the [Persian] Gulf,” *Security and Terrorism Bulletin*, No 7, page 32-37.
10. Nicole Stracke, “Nuclear Non-Proliferation from a [Persian] Gulf Perspective,” op. cit.
11. Nicole Stracke, “Nuclear Development in the [Persian] Gulf: A Strategic or Economic Necessity?” at: se1.isn.ch/serviceengine/Files/ISN/56257/.../FFE5616D.../chapter1.pdf
12. *International Atomic Energy Agency (IAEA)*, Communication Dated 28 September 2005 from the Permanent Mission of the United States of America to the Agency, (September 2005), INFClrC/659
13. Darly G. Kimball and A. Pomper Miles, “Fresh Start?” An Interview with Russia’s Ambassador to the United States Sergey Kislyak, *Arms Control Today*, November 2008, at: http://www.armscontrol.org/20081114_Kisylak.
14. Tariq Khaitous, “Why Arab Leader's Worry about Iran's Nuclear Program,” *Bulletin of the Atomic Scientists*, May 23, 2008 at: www.thebulletin.org/web-edition/features/why-Arab-leaders-worry-about-Iran's-nuclear-program

15. Nicole Stracke, "Nuclear Non-Proliferation form a [Persian] Gulf Perspective," Friedrich Ebert Stiftung, April 2008, pp. 1-5.
16. See: Richard N. Hass and Martin Indyk, "Beyond Iraq: A New Strategy for the Middle East," *Foreign Affairs*, January / February 2009.
17. See: Anthony H. Cordesman, Vivek Kocharlakota and Adam Seitz, *Iranian Strategic Competition with the US: The Military Dimension*, Aug 13, 2010 at : <http://csis.org/publication/iranian-strategic-competition>
18. "Is Mideast on Brink of an Arms Race?," Toronto Star, January 27, 2007 at: <http://www.thestar.com/article/175516>
19. "Egypt May Develop Nuclear Weapons," *United Press International*, January 5, 2007 at: http://www.upi.com/NewsTrack/Top_News/20070105-091047-6222r/
20. "GCC Countries Meet with IAEA to Finalize Nuclear Plans," January 20, 2007, at: http://www.aljazeera.com/me.asp?service_ID=13115
21. Richard Weitz, *[Persian] Gulf Cooperation Council Moves Forward With Nuclear Energy Plans*, April 2007 at: http://www.wmdinsights.com/I14/I14_ME3_GCCMovesForward.htm
22. "GCC Foreign Ministers Issue Communiqué," SPA, March 5, 2007, OSC document GMP20070305866007 .
23. Sammy Salama and Gina Cabrera-Farraj, "Egyptian Muslim Brotherhood Presses Government for Nuclear Weapons," *WMD Insights*, November 2006 at: http://www.wmdinsights.org/I10/I10_ME3_EgyptianMuslim.htm
24. Khalid Hilal and Leah Kuchinsky, "Jordan Joins List of Arab States Announcing Nuclear Energy Programs; Pakistan Promises Help," *WMD Insights*, March 2007 at : http://www.wmdinsights.org/I13/I13_ME1_JordanJoins.htm
25. Mohammad Ezz Al Deen, "[Persian] Gulf Nuclear Plans Take Shape, Says Al Attiyah," February 6, 2007at : <http://www.gulfnews.com/region/General/10102238.html>
26. "Arab Nations Plan Nuclear Meeting Next Week," February 12, 2007, *Global Security Newswire*, February 12, 2007 at : http://204.71.60.35/d_newswire/issues/2007/2/12/c26a670e-822d-4a8f-9259-84b820fce377.html
27. Simon Tisdall, "Explosive Stances: Threats to Nuclear Non-Proliferation Are on the Rise Across the World," *The Guardian*, December 11, 2006 at: <http://www.guardian.co.uk/print/0,,329659938-114659,00.html>
28. Elaine Sciolino, "Chirac Strays From Assailing a Nuclear Iran," 2007, at :

- <http://www.nytimes.com/2007/02/01/world/europe/01france.html?ex=1327986000&en=2a79cb363a6d7afd&ei=5088?ner=rssnyt&emc=rss>
29. Nicole Stracke, "The [Persian] Gulf States Consider Nuclear Energy," *The Daily Star*, March 13, 2007 at: www.dailystar.com.lb/article.asp?edition_id=1&categ_id=5&article_id=80392.
30. "George Perkovich, Nuclear Development in the GCC, Risks and Trends," at: http://www.carnegieendowment.org/files/perkovich_gcc.pdf
31. Miles Pomper, "US International Nuclear Energy Policy: Change and Continuity," *Nuclear Energy Future Paper*, 2010, at: www.cigionline.org
32. "Persian Gulf States to Move Ahead with Nuclear Energy Plans," *Associated Press, International Herald Tribune*, February 11, 2007 at: <http://www.ihl.com/articles/ap/2007/02/11/africa/ME-GEN-Gulf-Nuclear.php>
33. "South Korea Assists UAE Nuclear Energy Program," 2011, at : <http://www.nucpros.com/content/south-korea-assists-uae-nuclear-energy-program>
34. [Persian] Gulf States Have Right to Adopt Nuclear Technology," *[Persian] Gulf News Report*, February 16, 2007 at : <http://archive.gulfnews.com/articles/07/02/16/10104717.html>
35. Nikolai Sokov, "Russia Begins to Implement Initiative on International Uranium Enrichment Centers," *WMD Insights*, December 2006/January 2007 at: http://www.wmdinsights.org/I11/I11_R1_RussiaBegins.htm
36. Randa Habib, "Jordan Seeks to Join Nuclear Energy Club," *The Middle East On line*, July 28, 2009.
37. Chen Kane and Dominic Monetta, "Assessing the Viability, Feasibility and Sustainability of Proposed New Nuclear Power Programs in the Middle East - United Arab Emirates (UAE)," Unpublished Paper prepared for the U. S. Department of Energy, April 2009